یادداشت روز

یمن اگر این «اینشتین»ها را داشت کلاهش پس معرکه بود

سایت «دیفنس باجت»، بودجه نظامی عربستان در سال ۲۰۲۶ را چیزی نزدیک به ۹۰ میلیارد دلار برآورد کرده است. عربستان در کنار این بودجه نظامی، ۳۸۴ فروند جنگنده از انواع مختلف اف-۱۵، یوروفایتر تیفون، تورنادو و... دارد. این کشور نفت‌خیز که اکنون درگیر جنگ با انقلابیون یمنی است، از کمک دست‌کم ۲۰۰ مستشار نظامی آمریکایی، اسرائیلی و اروپایی نیز بهره می‌برد. در مقابل با انقلابیون یمنی‌ای مواجهیم که بودجه نظامی‌شان در سال ۲۰۲۶- طبق گزارش «یمن تی‌وی‌فرانس»- ۲ و نیم میلیارد دلار است و ارتش آن نیز فاقد جنگنده‌های عملیاتی مدرن است و صرفا با موشک و پهپاد و سلاح‌های معمولی می‌جنگد. این انقلابیون از سال ۲۰۱۵ نیز در محاصره کامل قرار دارند و آنچه باعث آغاز دور جدید جنگ بین این دو شده است نیز، تلاش یمن برای شکستن همین محاصره است که از تیرماه سال جاری کلید زده شد. از تیرماه امسال نیروهای مسلح و تحت محاصره! یمن با بودجه و امکاناتی که به بالا به میزان آن اشاره شد، هزاران مزدور سعودی و اماراتی را در میادین جنگ به هلاکت رسانده و فرودگاه و پالایشگاهی در عربستان سالم باقی نگذاشته‌اند. یمنی‌ها در همین مدت کوتاه، تنگه مهم باب‌المندب را از آنِ خود کرده و با حمله پی‌درپی به فرودگاه‌های عربستان، این کشور را از آسمان و دریا محاصره کرده‌اند. آنها نام این جنگ را هم «محاصره در برابر محاصره» قرار داده و تنها راه توقف این حملات را، پایان محاصره ۱۲ساله کشورشان از سوی آل‌سعود عنوان کرده‌اند. هنوز تمام نشده. بخوانید:

اکنون که در حال مطالعه این یادداشت هستید، انقلابیون در حال تصرف کامل استان بسیار مهم تعز هستند. تعز «گلوگاه» میان شمال (تحت کنترل انقلابیون یمن) و جنوب (تحت کنترل آل‌سعود و امارات) است. مهم‌ترین جاده‌ای که مرکز و جنوب یمن را به هم متصل می‌کند نیز جاده تعز-عدن است که از این استان می‌گذرد. انقلابیون یمن با تصرف این منطقه، عملاً نیروهای تحت امر سعودی در جنوب را منزوی کرده و راه را برای پیشروی به سمت عدن، پایتخت عوامل سعودی و اماراتی هموار می‌کنند. انقلابیون یمن برای تثبیت دستاورد خود در باب‌المندب، به عمق استراتژیک در خشکی نیاز دارند. تعز با ارتفاعات کوهستانی که دارد (مانند کوه صبر) این عمق را فراهم می‌کند و به یمن اجازه می‌دهد بر مسیرهای منتهی به ساحل و تنگه تسلط داشته باشد. به این مهم هم باید توجه کرد که تعز پرجمعیت‌ترین استان یمن با حدود ۴.۵ میلیون نفر جمعیت است و این یعنی آزادی آن می‌تواند توانایی طرف مقابل را برای جذب نیرو و ادامه مقاومت تضعیف کند. در یک کلام، انقلابیون یمن با آزادسازی تعز حلقه اتصال شمال و جنوب یمن را قطع می‌کنند، دستاوردهای ساحلی خود را تثبیت می‌کنند، دشمن را به‌شدت در موقعیت ضعف قرار داده و از نظر جمعیتی و سیاسی نیز تضعیف می‌کنند. همین روزهاست که خبر آزادسازی یمن نیز منتشر شود ان‌شاءالله...

حالا به گزارش پریروز «وال‌استریت‌ژورنال» توجه کنید: «منابع مطلع به ما گفتند که محمد بن‌سلمان، ولی‌عهد عربستان سعودی، در پی تشدید حملات موشکی نیروهای یمن به ریاض، رفت‌وآمد خود را به کاخ‌های به‌شدت حفاظت‌شده و مجهز به پناهگاه‌های مستحکم محدود کرده و تحت تدابیر امنیتی ویژه قرار گرفته است... تدابیر حفاظتی پیرامون ولی‌عهد به‌طور چشمگیری افزایش یافته و آخرین حضور علنی او به سه‌شنبه گذشته و شرکت در یک پویش ملی اهدای خون بازمی‌گردد...». این گزارش می‌گوید بن‌سلمان با آن همه بودجه و مستشار نظامی از آمریکا و اسرائیل و اروپا و آن همه تجهیزات مدرن جنگی، از ترس موشک و پهپاد یمنی‌ها بین پناهگاه‌های زیرزمینی آنچنانی در رفت‌وآمد است! یا گزارش اخیر بلومبرگ که در آن به نقل از «منابع آگاه» می‌خوانیم که «بن‌سلمان در قبال بی‌اعتنایی هم‌پیمانان غربی در سایه تشدید درگیری‌ها با یمن امیدش را از دست داده است... انگلیس فقط از طریق هواپیماهای سوخت‌رسان حمایت محدودی می‌کند اما با درخواست‌های کمک بیشتر ریاض مخالفت می‌کند. آمریکا با وجود اعزام مشاوران نظامی، به درخواست‌های ریاض برای حمایت مستقیم با هدف عقب‌راندن یمن پاسخ نمی‌دهد. دونالد ترامپ حمله یمن به فرودگاه ریاض را صرفاً «بسیار بد» توصیف کرده است و... ریاض اکنون به‌دنبال حمایت پاکستان و تأمین سامانه‌های دفاع هوایی بیشتر است و...»

اما چرا یمنی‌ها این‌قدر موفق عمل می‌کنند و سعودی‌ها نه؟! عملکرد سعودی‌ها در این جنگ آن‌قدر ضعیف بوده که «رابرت پیپ»، دانشمند علوم سیاسی و استاد دانشگاه شیکاگو گفت: «با ادامه سیاست‌های احمقانه عربستان، بهتر است آن شاهزاده‌ها به فکر نقل مکان [فرار کردن] به نیویورک و لندن باشند.» آیا دلیل دست برتر یمن در این جنگ، صرفا ضعف رژیم سعودی و متحدانش در ترکیه، پاکستان، مصر، آمریکا، اسرائیل، اروپا و... است؟ یا دلایل دیگری دارد؟ پیش از این در همین ستون به این موضوع پرداخته‌ایم اما با توجه به تحولات این روزهای یمن، بد نیست دوباره مروری کوتاه بر آن داشته باشیم:

پس از الطاف الهی، باید گفت، انقلابیون یمنی، با اعتقاد و باور می‌جنگند اما جبهه مقابل یعنی مزدوران آل‌سعود (که آنها هم یمنی هستند) برای پول می‌جنگند. و این یک واقعیت است که کسی برای پول تا پای جان نمی‌جنگد! انقلابیون یمن نه‌تنها برای پول نمی‌جنگند بلکه در این راه، هر آنچه دارند را نیز به میدان آورده‌اند. انتشار گاه و بی‌گاه تصاویر و گزارش‌ها درباره کمک‌های مالی مردم و قبایل به جبهه‌های جنگ، به خوبی این رویکرد را نشان می‌دهد. اعتقاد و باور قلبی به سرباز، انگیزه می‌دهد و سربازی که انگیزه و باور قلبی نداشته باشد، تا پای جان نخواهد جنگید. اینکه مزدوران سعودی مثل آب خوردن از باب‌المندب گریختند و سرعت آزادسازی این تنگه، دنیا را شوکه کرد! به همین نکته بازمی‌گردد.

نکته دوم خود سعودی‌ها هستند. کشورهایی مثل عربستان که رشد مصنوعی دارند، و توسعه را صرفا در ساختن برج‌های بلند می‌بینند، در چنین شرایطی خود واقعی‌شان را نشان می‌دهند. کشوری که از آب خوردن و میخ و موشک و اسلحه تا مهندس و خلبان و جنگنجویش «اجاره‌ای» است، از این بهتر نمی‌تواند باشد. کشورهای مرتجع عربی حتی «امنیت» را هم با دلارهای نفتی می‌خرند و بدون حمایت‌های همراه با تحقیر «امنیت‌فروشان»ی مثل آمریکا نمی‌توانند دوام زیادی بیاورند اما اوضاع در یمن کاملا متفاوت است. یمنی‌ها به‌صورت تاریخی جنگجو هستند و اصولا در اندیشه سیاسی و اعتقادی آنها واژه «قیام به سیف» دیده می‌شود. قیام به سیف اینجا یعنی، «قیام با شمشیر علیه حاکم جائر». به عبارت دیگر، انقلابیون یمنی اصولا مشروعیت‌شان را از قیام مسلحانه علیه ظالم می‌گیرند. چنین اندیشه و اعتقادی در کنار تاریخ طولانی آنها در نبرد با دشمن، از آنها جنگجویان شجاع و نترسی ساخته است که عملیات‌های نظامی و روانی رایج در جنگ‌های امروزی، روی آنها کارساز نیست. شاید به‌جرئت بتوان گفت خاص‌ترین ویژگی یمنی‌ها همین ایمان و اعتقاد و اندیشه سیاسی آنهاست؛ جبهه مقابل، اما، ترکیب شده است از ملیت‌های مختلفی که نه برای باور، اعتقاد یا حتی وطن که برای پول می‌جنگند. وقتی می‌شنویم یمنی‌ها ۲۵۰۰ نظامی از ملیت‌های مختلف را در یک روز به اسارت گرفته‌اند یعنی، آل‌سعود با پول‌پاشی خواسته ارتش تشکیل دهد و چنین ارتشی بهتر از این نمی‌تواند بجنگد.

«دسترسی دشمن به اطلاعات محدود»، یکی دیگر از آن دلایلی می‌تواند باشد که باعث شده دشمنان یمن، نتوانند کار زیادی از پیش ببرند. اینجا فقط به‌عنوان یک نمونه به اظهارات تحلیلگر نظامی روزنامه یدیعوت آحارونوت، یعنی «یوسی یهوشوا» اشاره کرده و از آن عبور می‌کنیم: «ما اطلاعات و اهداف را در یمن گم کرده‌ایم... سال‌ها به‌دلیل چالش‌های لبنان، غزه، سوریه و غیره از یمن غفلت کرده‌ایم و هیچ اطلاعاتی در مورد حوثی‌ها نداریم».

اما یک دلیل مهم دیگر هست که مربوط به خود یمنی‌ها است و نباید آن را فراموش کرد. در یمن وقتی با حملات دشمن مواجه می‌شوند، همه یکصدا و متحد مقابل دشمن و در کنار رهبر و نیروهای مسلح خود می‌ایستند. مثلاً کسی برای خوشایند دشمن نمی‌گوید: «تنگه باب‌المندب باید تنگه پررونق باشد، اگر رونق نداشته باشد و کشتی تردد نکند می‌خواهیم چه کار کنیم؟ تنگه بی‌کشتی به چه درد می‌خورد؟!». یا آن یکی با وجود اینکه می‌بیند دشمن در موضع ضعف و شکست قرار و معتبرترین چهره‌ها و رسانه‌های دنیا هر روز از «دلایل شکست آمریکا» می‌نویسند و می‌گویند، «روایت معکوس» نکرده و نمی‌گوید «برای بقای خودمون باید به توافق‌نامه‌ای مثل ترکمانچای تن دهیم». یا مثل آن دیگری نمی‌گوید: «هر عقب‌نشینی تاکتیکی که لازم باشد، باید انجام شود تا یمن حفظ شود.» کسی که نداند در صورت تسلیم‌شدن- در خوش‌بینانه‌ترین حالت- کشورش به سرنوشت ونزوئلا دچار خواهد شد- و در بهترین حالت- پس از قتل‌عام مردم، نخبگان و مسئولین کشورش، فردی در مختصات خانم رودریگز بر قدرت خواهد نشست، بعید است دچار اشتباه محاسباتی شده باشد! چراکه دشمن صراحتاً گفته به‌دنبال تکرار الگوی ونزوئلا در کشورش است. او حتماً این را هم شنیده است که دشمن به‌دنبال تجزیه کشورش است چرا که آن را هم صراحتاً بر زبان رانده است. سیاستمدار اگر بخواهد هم نمی‌تواند اینقدر نادان باشد و این هشدارهای صریح را از زبان دشمن بشنود و دوباره نسخه تسلیم بپیچد. در این میان شاید مهم‌ترین راز موفقیت یمنی‌ها نداشتن چنین «اینشتین»هایی است که اگر داشتند، کلاه‌شان پس معرکه بود!

جعفر بلوری

گزارش خبری تحلیلی کیهان

آقای پزشکیان! مراقب «زاویه‌دارها» باشید نسخه‌های خطرناک می‌پیچند

سرویس سیاسی-

در روزهایی که واشنگتن در باتلاق خودساخته جنگ دست و پا می‌زند، «جریان زاویه‌دار» در داخل با توجیه ترکمانچای، خطونشان برای مقامات امنیتی و نظامی در مورد ورود به جنگ دیگر و تطهیر نفوذی‌ها، درصدد نجات ترامپ است؛ خطری جدی که برخورد قاطع رئیس‌جمهور و اتخاذ آرایش جنگی را می‌طلبد.

در روزهایی که ایالات متحده در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای قرار دارد و دونالد ترامپ از ترس شکست سنگین در نظرسنجی‌ها، مدام با توسل به دروغ از «باز بودن تنگه هرمز» سخن می‌گوید تا تصویری خیالی از پیروزی بسازد، در داخل کشور نیز «جریان زاویه‌دار» دست به کار شده است. این جریان نفوذی و غرب‌زده با به روزرسانی تئوری شکست‌خورده تسلیم، درصدد است دستگاه محاسباتی مسئولان را دچار خطای فاحش کند؛ یکی با توجیه ننگ‌نامه ترکمانچای، دیگری با خطونشان کشیدن برای مقامات نظامی و هشدار درباره ریسک جنگ، و سومی با باز کردن مجدد کلاف سردرگم هسته‌ای!

اما سؤال اصلی اینجاست: آیا ایران اسلامی به بن‌بست رسیده یا این ترامپ و تیم عملیات روانی او هستند که در باتلاق جنگ دست و پا می‌زنند؟

اتاق جنگ شناختی واشنگتن

این روزها دایره واژگان ترامپ محدودتر از همیشه شده و تقریباً روزی چند بار، گزاره‌های تکراری را بر زبان می‌آورد: اول اینکه «هرمز باز است»، دوم اینکه «به‌زودی جنگ با ایران تمام می‌شود؛ یا با توافق یا با جنگ!» و سوم اینکه «انتخابات برایم مهم نیست و اگر باشد هم جمهوری‌خواهان می‌برند»!

اما واقعیت چیز دیگری می‌گوید. «بسنت» حدود دو هفته پیش با ضریب‌دهی رسانه‌ای ادعا کرد اقتصاد ایران ۱۴ روز دیگر دچار فروپاشی کامل می‌شود. آن‌ها برای تحقق این مسئله، محاصره شدیدتر و عملیات روانی سنگینی علیه خطوط هوائی و دریانوردی راه انداختند. اکنون آن ۱۴ روز به پایان رسیده است؛ درست است که وضع اقتصادی کشور ایده‌آل نیست، اما نه تنها فروپاشی رخ نداده، بلکه محاسبات دشمن باز هم غلط از آب درآمد. آنچه در این میان کار کرد، نه محاصره بود و نه پروژه شکست‌خورده فرودگاهی، بلکه اخلال شناختی ناشی از عملیات روانی بود.

نبرد ایران و آمریکا دارای چهار ستون اصلی است: نظامی، اقتصادی-تاب‌آوری، دیپلماتیک و شناختی-روانی.

بدون تردید، ستون اصلی در شرایط فعلی همان بعد شناختی است که دولت ترامپ حساب ویژه‌ای روی آن باز کرده است؛ واشنگتن اگر یک واحد اقدام واقعی انجام دهد، حداقل ۱۰ واحد روی اثر روانی آن کار رسانه‌ای می‌کند و در این میان، مثلث ترامپ، بسنت و مارک روبیو پیگیری سه هدف مشخص را در دستور کار دارند.

نخستین هدف، اثرگذاری بر افکار عمومی آمریکا است؛ افکار عمومی زخم‌خورده از جنگ‌طلبی که بر اساس نظرسنجی‌ها قصد دارد نارضایتی خود از ترامپ را پای صندوق رأی نشان دهد. هدف دوم، ایجاد اختلال در محاسبات مسئولان ایرانی است تا با هدف قرار دادن اتاق تصمیم‌گیری تهران، مقامات کشور در دیالکتیک جنگ و مذاکره دچار خطای محاسباتی شده و با صدور مواضع سازش‌کارانه، به ترامپ امتیاز بدهند. و نهایتاً هدف غایی شکستن تاب‌آوری جامعه ایران است تا با پمپاژ ناامیدی، تصویر پیروزی را در اذهان عمومی مخدوش کرده و بستر لازم را برای پیش روی‌های بعدی دشمن فراهم سازند.

معادله میدان تغییر کرده است

این در حالی است که ضربات دقیق ایران بر پدافند، زیرساخت‌ها و محل اختفای افسران آمریکایی در منازل امن، در کنار تسلط کامل بر تنگه هرمز، معادلات را تغییر داده است. تا جایی که سرلشکر محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی صراحتاً هشدار داد: «اگر آمریکا دوباره به ایران حمله کند، دارایی‌هایش مانند سامانه‌های کلیدی داده و حسگرهای هوش مصنوعی هدف قرار می‌گیرند.»

حتی مارک روبیو، وزیر خارجه آمریکا، وقتی دید در میدان نبرد کاری از پیش نمی‌برد، با توسل به فانتزی‌های تاریخی و نبردهای باستان میان ایران و یونان تلاش کرد تقابل امروز را یک «نزاع ابدی تمدنی» جلوه دهد تا شکست‌های معاصر واشنگتن را توجیه کند! نشریه آمریکایی فارن افرز نیز در تحلیلی اذعان کرد: «آمریکا با ایران و خاورمیانه چه باید بکند؟... مایکل فوکس در ماه اوت، در مجله فارن افرز، استدلال کرد که این درگیری - که او آن را «فاجعه‌ای عظیم» توصیف کرد - باید محرکی برای خروجی باشد که مدت‌ها به تأخیر افتاده است. به باور او، ایالات متحده باید تمام پایگاه‌ها و نیروهای خود را از منطقه خارج کند و «به نقش خود به‌عنوان ضامن نظم منطقه‌ای پایان دهد» تا واشنگتن بتواند بر اهداف مهم‌تری در آسیا و اروپا متمرکز شود.»

هشدار صریح رهبر معظم انقلاب و وصیت فراموش‌نشدنی آقای شهید

در برابر خط دشمن، رهبر معظم انقلاب، حضرت امام سید مجتبی خامنه‌ای با صلابت و قاطعیت خط بطلانی بر دوگانه‌سازی‌های موهوم کشیدند و فرمودند:

«بی‌تردید هر سخن ناامیدکننده و تضعیف‌کننده انگیزه‌های ملّی و عمومی و هر نوع دوگانه‌سازی موهوم از قبیل جنگ یا مذاکره، وفاق یا تندروی، سازش یا جنگ‌طلبی که در گذشته به مردم عزیزمان خسارت‌هایی بی‌واسطه یا باواسطه وارد ساخته، از این پس هم می‌تواند همان تأثیر را به‌جا بگذارد. لذا بنده قاطعانه اعلام می‌کنم که ارتکاب هر آنچه به‌ضرر انسجام اجتماعی باشد، ممنوع است.»

رئیس‌جمهور محترم باید به یاد داشته باشند که هشدار درباره این جریان زاویه‌دار، توصیه‌ای جدید نیست. آقای شهیدمان، درست چند روز پیش از آخرین انتخابات ریاست‌جمهوری (۵ تیرماه ۱۴۰۳) خطاب به نامزدها اتمام حجت کرده و فرمودند:

«توصیه و عرض ما به نامزدهای انتخابات این است؛ من به این حضرات محترم عرض می‌کنم که با خداوند خودتان عهد کنید که اگر موفق شدید و توانستید مسئولیتی به دست آورید، کسان و کارگزاران خود را از کسانی قرار ندهید که ذره‌ای با انقلاب زاویه دارند. آن کسی که با انقلاب، با امام راحل، با نظام اسلامی ذره‌ای زاویه داشته باشد، او به درد شما نمی‌خورد. او همکار خوبی برای شما نخواهد بود. آن کسی که دلبسته آمریکا باشد و تصور کند که بدون لطف آمریکا نمی‌شود قدم از قدم برداشت در کشور، او برای شما همکار خوبی نخواهد بود.»

متأسفانه غفلت از این نصایح باعث شده جریانات غرب‌زده که سیستم محاسباتی آن‌ها به تسخیر دشمن درآمده، مجدداً در برخی پُست‌ها و مناصب جا خوش کنند و همان فرمول‌های کهنه «نمی‌توانیم»، «بدیم بره» و «پایان جنگ» را بازتولید نمایند. فراموش نکنیم پیش از کودتای دی‌ماه ۱۴۰۴، همین آدرس‌های غلط و تصمیمات ناصواب امثال این افراد در حذف ارز ترجیحی بود که بستر موج‌سواری دشمن و مزدورانش را فراهم ساخت.

رونمایی از نسخه‌های جدید تسلیم

امروز زاویه‌دارها نقاب از چهره برداشته‌اند. اظهارات اخیر برخی چهره‌های این جریان، خطدهی آشکار به دشمن و بازی در زمین واشنگتن است:

محمدجواد ظریف، وزیر خارجه اسبق در موضعی تأمل‌برانگیز برای توجیه سازش، ننگ‌نامه ترکمانچای را این‌گونه بازتولید می‌کند: «وقتی موجودیت کشور در خطر است، شما به دنبال بقا می‌روید. چرا عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای امضا شدند؟ چون دشمن تا پشت قزوین آمده بود و درصدد تصرف تهران بود و موجودیت کشور در خطر قرار داشت. در چنین شرایطی، توافقی صورت می‌گیرد تا بقا حفظ شود.»

حسین مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران گامی فراتر نهاده و رسماً برای مقامات عالی‌رتبه امنیتی و نظامی خط و نشان می‌کشد: «من به رئیس‌جمهور، رئیس‌مجلس، آقای رضایی دبیر شورای عالی امنیت ملی، و فرماندهان محترم سپاه هشدار می‌دهم که در زمینه جلوگیری از جنگ احتمالی سوم، مطلقاً حق ندارند هیچ ریسکی را بپذیرند. هر تدبیر سیاسی و نظامی و هر عقب‌نشینی تاکتیکی که لازم باشد، باید انجام شود تا ایران حفظ شود...»

بهزاد نبویان نیز در گفت‌وگو با روزنامه اعتماد، با پاک کردن مسئله اصلی، نسخه دور زدن توانمندی‌های کشور را می‌پیچد: «مسئله اصلی ما و طرف‌های بین‌المللی... همواره مناقشه هسته‌ای بوده است... به جای گیر کردن در جزئیات تفاهم‌نامه پیشین، باید مسیر گفت‌وگو را مستقیماً به سمت حل‌وفصل پرونده هسته‌ای بازگردانیم، چون به ثمر رسیدن آن برای رفع تحریم‌ها بسیار راهبردی‌تر و حیاتی‌تر است.»

این اظهارات چیزی جز بده‌بستان با دشمنی که شمشیر را از رو بسته نیست! جالب اینجاست که معاریو و رسانه‌های صهیونیستی مدعی شده‌اند آمریکا از اسرائیل خواسته تا مستقلاً به ایران حمله کند تا هزینه سیاسی آن پیش از انتخابات بر دوش ترامپ نیفتد. واشنگتن پیش از جنگ ۴۰ روزه نیز همین بازی «تردید و دیپلماسی» را راه انداخته بود. در چنین شرایط حساس جنگی، دادن اولتیماتوم به فرماندهان و توجیه ترکمانچای، رسماً تکمیل‌کننده سناریوی «فریب پیش از حمله» دشمن است.

سلبریتی‌های وطن‌فروش دغدغه مردم نیستند

همزمان با خطدهی سیاسی زاویه‌دارها، ضلع دیگر این پروژه شوم در عرصه فرهنگی کلید خورده است. در شرایطی که کشور در حالت جنگی قرار دارد و مردم مبعوث ایران بیش از ۲۲۶ شب میدان‌داری می‌کنند و به انحای مختلف دغدغه معیشت و سفره خود را به مسئولان گوشزد می‌کنند، مانور رسانه‌ای برای بازگشت برخی سلبریتی‌های وطن‌فروش و اساتید اخراجی، هیچ تناسبی با نیازها و دغدغه‌های آحاد جامعه ندارد.

جبهه دشمن پس از شکست‌های پیاپی در مواجهه نظامی، فتنه زیستی و آشوب‌های خیابانی، راهبرد خود را بر «نفوذ آرام فرهنگی» متمرکز کرده است. تغییر چهره یکشبه و ژست‌های «وطن‌پرستی دروغین» از سوی عناصری که در بزنگاه‌ها به روی ملت آغوش بستند و به دامن غرب گریختند، بخشی از یک پروژه حساب‌شده برای نفوذ قدم‌به‌قدم به نهادهای فرهنگی و برقراری ارتباط با مراجع تصمیم‌گیر است. آنان پیاده‌نظام بازسازی شبکه تأثیرگذاری دشمن هستند و نباید اجازه داد فضای فرهنگی و اجتماعی کشور، قربانی تمایلات این قماش شود.

آرایش جنگی در برابر خدعه فریب

آقای پزشکیان! امروز ملت ایران در برابر غول‌های نظامی دنیا ایستاده و با منطقه‌ای کردن جنگ، وارد ساختن ضربات ویرانگر به شبکه پدافندی و زیرساختی دشمن و تسلط کامل بر تنگه هرمز، طعم شیرین پیروزی و اقتدار را چشیده است. در داخل کشور، به‌جز جریان تسلیم و زاویه‌دارها، هیچ‌کس احساس شکست نمی‌کند.

دشمن آماده رزم است ولی با فریب مذاکره می‌خواهد اصل غافلگیری را محقق کند. توجیه ترکمانچای، چوب حراج به پروژه هسته‌ای، تطهیر سلبریتی‌های نفوذی و ایجاد ترس از جنگ، نسخه‌های به روز شده تئوری تسلیم‌اند. دولت محترم باید با پیروی کامل از تدابیر رهبر معظم انقلاب و نصب‌العین قرار دادن توصیه‌های آقای شهید، دست زاویه‌دارها را از اتاق‌های تصمیم‌سازی کوتاه کرده و به جای اعتماد به سراب مذاکره، آرایش کامل جنگی و تهاجمی در برابر جنگ ترکیبی دشمن اتخاذ کند.

گفت و شنود

با کِش وَر نرو!

گفت: این عهدنامه «ترکمانچای» چیست که آقای ظریف از آن تعریف و تمجید می‌کند و می‌گوید باعث نجات ایران شده بود؟!

گفتم: معاهده‌ای بود که ۲۰۰ سال قبل، در جریان جنگ ایران و روسیه و در دوران فتحعلی‌شاه قاجار بین ایران و روسیه امضاء شد و براساس آن سه ایالت قفقاز، یعنی ایروان، نخجوان و بخش‌هایی از تالش به روس‌ها داده شد و حاکمیت ایران بر دریای مازندران نیز محدود شد!

گفت: یعنی آقای ظریف رسماً و علناً از تسلیم دولت قاجار در مقابل روسیه و از دست دادن بخش گسترده و عظیمی از خاک ایران دفاع می‌کند؟!

گفتم: ای عوام! برای تسلیم در مقابل دشمن دلیل می‌تراشد و می‌گوید روس‌ها تا پشت شهر قزوین آمده بودند و عهدنامه ترکمانچای باعث نجات ایران شد! یعنی دقیقاً همان دیدگاه ذلیلانه «بده بره»! و این نسخه را برای جنگ کنونی هم تجویز می‌کند!

گفت: ولی ایران در جنگ‌های اخیر پیروز قطعی بوده است و این آمریکاست که باید امتیاز بدهد و انتقام هم پس بدهد. چرا برای ایران نسخه تسلیم می‌پیچد؟! اصلاً این جماعت وابسته به غرب از وطن‌دوستی و غیرت بویی برده‌اند؟! اصلاً ایران و خاک کشور را می‌شناسند و...؟!

گفتم: به یارو گفتند؛ با کشور جمله بساز! گفت؛ «داشتم با کش وَر می‌رفتم، از دستم در رفت و خورد توی چشمم»! گفتند؛ کشوری که تو می‌شناسی، همان بهتر که بخوره توی چشمت!

پایان اینترنت رایگان در خلیج‌فارس؟ الزام غول‌های فناوری به پرداخت عوارض

ایران باید برای عبور کابل‌های اینترنتی غول‌های فناوری از تنگه هرمز، عوارض حاکمیتی وضع کند.

شبکه ارتباطات جهانی در عصر حاضر وابستگی عمیق و بنیادینی به زیرساخت‌های فیزیکی پنهان در بستر اقیانوس‌ها دارد.

به‌خلاف تصور عمومی که ماهواره‌ها را عامل اصلی ارتباطات بین‌المللی می‌داند، بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که بیش از ۹۹ درصد از ترافیک داده‌های بین‌قاره‌ای از طریق کابل‌های اینترنت زیردریایی منتقل می‌شود درحالی که ماهواره‌ها حتی با وجود شبکه‌های پیشرفته‌ای نظیر استارلینک، سهمی به‌مراتب کمتر از یک درصد در این انتقال ایفا می‌کنند.

«کابل‌های زیردریایی» ستون فقرات ارتباطات دولتی، سیستم‌های مالی جهانی، رایانش ابری (Cloud Computing) و اینترنت مصرف‌کنندگان را تشکیل می‌دهند.

براساس داده‌های نقشه کابل‌های زیردریایی مؤسسه تله جغرافی (TeleGeography) در سال ۲۰۲۶، شبکه جهانی متشکل از ۶۹۴ سیستم کابلی متمایز و ۱۸۹۳ ایستگاه فرود (Landing Station) است که سواحل کشورهای مختلف را به یکدیگر متصل می‌سازند.

در این میان، ایالات متحده آمریکا با میزبانی از ۱۶۷ ایستگاه فرود، کانادا با ۱۵۵ ایستگاه، اندونزی با ۱۴۳ و بریتانیا با ۱۲۵ ایستگاه، عمده‌ترین لنگرگاه‌های این شبکه درهم‌تنیده محسوب می‌شوند. نکته قابل‌توجه در اقتصاد سیاسی این زیرساخت‌ها، تغییر مالکیت آن‌ها از کنسرسیوم‌های مخابراتی دولتی به‌سمت غول‌های فناوری است؛ به‌گونه‌ای که شرکت‌هایی نظیر گوگل (Google) در ۳۴ سیستم کابلی و متا (Meta) در ۲۰ سیستم کابلی دارای مالکیت مستقیم یا سهام عمده هستند.

در این معماری پیچیده جغرافیایی، نقاط گلوگاهی (Chokepoints) دریایی اهمیت مضاعفی می‌یابند. تنگه هرمز که به‌طور سنتی به‌عنوان حیاتی‌ترین شریان انتقال انرژی و نفت در جهان شناخته می‌شود، به‌موازات اهمیت انرژی، به یک گذرگاه بحرانی برای انتقال داده‌های دیجیتال بین آسیا، خاورمیانه و اروپا تبدیل شده است.

در گزارش قبلی تسنیم که در میانه جنگ رمضان منتشر شد اعلام شد که حداقل هفت سیستم کابلی عمده از این منطقه عبور می‌کنند که پیوندهای دیجیتال کشورهای حاشیه خلیج‌فارس را با مراکز داده بزرگ در سراسر جهان برقرار می‌سازند. با توجه به عرض کم تنگه هرمز، مجاورت حاکمیتی دو کشور ساحلی (ایران و عمان) و تمرکز بالای این کابل‌ها در یک منطقه جغرافیایی بسیار محدود، این گذرگاه دریایی به یک «گلوگاه دیجیتال» به‌شدت آسیب‌پذیر تبدیل شده است.

اگرچه جمهوری اسلامی ایران همواره بر حفظ امنیت زیرساخت‌های ارتباطی غیرنظامی تأکید دارد، اما سوءاستفاده قدرت‌های غربی از جمله ارتش آمریکا از این خطوط فیبر نوری به‌منظور اهداف اطلاعاتی، هدایت عملیاتی ناوگان‌های جنگی و سامانه‌های فرماندهی و کنترل نظامی (C2)، امنیت این شبکه‌ها را عملاً مخدوش ساخته است. ورود کاربری نظامی به شبکه‌های مخابراتی خلیج‌فارس توسط نیروهای بیگانه، ناقض امنیت مشترک منطقه است و در شرایط بروز درگیری‌های احتمالی، هرگونه تهدید یا اختلال ناشی از شرایط جنگی را متوجه طرف‌هایی می‌کند که این زیرساخت‌ها را به ابزار نظامی بدل ساخته‌اند.

در سطح عملیاتی، بزرگ‌ترین تهدید برای کابل‌های تنگه هرمز در زمان جنگ، حملات برنامه‌ریزی‌شده و مستقیم نیست، بلکه آسیب‌های تصادفی یا تبعی است. هنگامی که تنگه هرمز به یک منطقه جنگی و مین‌گذاری‌شده تبدیل شود، کشتی‌های تجاری آسیب‌دیده با رهاکردن لنگر و کشیده‌شدن آن به‌منظور جلوگیری از غرق‌شدن یا برخورد با موانع، باعث پارگی شبکه‌های درهم‌تنیده کابل در بستر کم‌عرض تنگه خواهند شد (همان‌گونه که در اوایل سال ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ در دریای سرخ شاهد بودیم).

نظام حقوق بین‌الملل دریاها در پیکربندی فعلی خود، قادر به ارائه چتر حمایتی یکپارچه برای زیرساخت‌های دیجیتال در حریم حاکمیتی کشورها نیست.

از آن جا که حاکمیت کشور ساحلی بر بستر دریای سرزمینی مطلق است، کنوانسیون ۱۹۸۲ هیچ‌گونه محدودیتی بر اعمال صلاحیت دولت‌های ساحلی در نوار ۱۲مایلی وضع نکرده است، این سازوکار حقوقی، جایگاهی کاملاً قانونی و تثبیت‌شده به جمهوری اسلامی ایران می‌بخشد تا چارچوب‌های حاکمیتی و قوانین داخلی خود را بر شرکت‌های فناوری بین‌المللی اعمال کند، ازاین‌رو، استقرار هرگونه تأسیسات داده در بستر تنگه هرمز، تنها با تمکین در برابر پروتکل‌های امنیتی، زیست‌محیطی و حقوقی کشورمان میسر خواهد بود.

استراتژی ایران در قبال تنگه هرمز یک موضع‌گیری موقت نیست، بلکه مبتنی بر دهه‌ها رویه‌سازی منسجم حقوقی است. عدم الحاق به کنوانسیون حقوق دریاها به‌دلیل مغایرت‌های حقوقی با حاکمیت ملی، صدور اعلامیه تفسیری برای رد اعتبار عرفی رژیم عبور ترانزیت، اتخاذ رویکرد «معترض مستمر» و نهایتاً تصویب هوشمندانه قانون جامع مناطق دریایی در سال ۱۳۷۲، چارچوب تقنینی غیرقابل‌نفوذی را ایجاد کرده است که حاکمیت قاطع تهران را بر عبور و مرور دریایی و زیرساخت‌های مستقر در بستر تنگه تثبیت می‌کند.

بر مبنای حقوق بین‌الملل و اصول مسلم حقوق دریاها، هیچ تعهدی برای ارائه خدمات رایگان زیرساختی و ناوبری به غول‌های فناوری خارجی به‌عهده کشور ساحلی نیست. جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر تأمین ایمنی خطوط ارتباطی، پایش زیست‌محیطی بستر خلیج‌فارس و مهار خطرات ناشی از ترددهای متراکم، کاملاً محق است که هزینه‌های نگهداری، پدافند غیرعامل و خدمات حاکمیتی مرتبط با این تأسیسات ثابت را از کنسرسیوم‌های ذی‌نفع خارجی مطالبه کند؛ رویه‌ای که متضمن توازن عادلانه میان هزینه‌های عمومی کشور ساحلی و منافع سرشار تجاری شرکت‌های فراملیتی است.

با فعال شدن مکانیسم‌های حقوق جنگ دریایی (Lex Specialis)، قواعد صلح‌جویانه ناوبری جای خود را به قواعد بازدارنده نظامی نظیر راهنمای سان‌رمو می‌دهند، در چنین شرایطی، اعمال تدابیر کنترلی، ممانعت مشروع از تردد شناورهای متخاصم و خطرات ناشی از سوءاستفاده از زیرساخت‌های دوگانه (Dual-Use)، بقای کابل‌های زیردریایی را به متغیرهای جنگ وابسته می‌سازد.

در نهایت، تحولات بنیادین پیرامون تنگه هرمز نشان می‌دهد که همان‌طور که این گذرگاه در قرن بیستم میدان تقابل بلوک‌های قدرت بر سر امنیت انرژی بود، در قرن بیست‌ویکم به نقطه کانونی رقابت‌ها بر سر حاکمیت دیجیتال و امنیت داده‌ها دگردیسی یافته است.

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵
ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر

* آمریکا در جنگ نظامی شکست خورد. در جنگ اقتصادی نیز شکست خواهد خورد. تنگه هرمز با تهدید یا فشار باز نخواهد شد و ایران عقب‌نشینی نخواهد کرد.
داداشی

* درود بر ملت عزیز عراق، مرجعیت، حشدالشعبی و نیروهای مسلح که با فداکاری و استقامت، اشغالگران آمریکایی را از عراق بیرون راندند. ولی باید بسیار مراقب نفوذی‌ها و از پنجره وارد شدن این شیطان بزرگ باشند.
عربی

* در گذشته نه‌چندان دور، در سیاست بین‌الملل صحبت از حمله به یک پایگاه آمریکایی در جهان، شبیه یک افسانه بود اما امروز در کمال ناباوری جهان شاهد است که ۱۸ پایگاه آمریکایی در خاورمیانه طوری درهم کوبیده شده که بازسازی آن‌ها نه مقرون‌به‌صرفه خواهد بود و نه امکان‌پذیر. این تنها ایران است که آمریکا را به شکست و مفتضح ساختن واداشته است و نه هیچ ابرقدرت دیگری در جهان!
مردی‌ها

* فارن افرز (دوماهنامه جامع علمی آمریکایی) نوشته است؛ ایران دیگر هم‌زیستی با آمریکا در منطقه را تحمل نمی‌کند. آمریکا با هدف نابودی برنامه هسته‌ای، توان موشکی و ساختار حکومت وارد جنگ شد، اما ایران همچنان پابرجاست، تنگه هرمز را در اختیار گرفته و قادر به آسیب‌زدن به پایگاه‌های آمریکاست.
کرمیان

* شان بل، سرتیپ بازنشسته نیروی هوایی سلطنتی انگلیس از وحشت موشک‌های هوافضایمان می‌گوید؛ توان موشکی ایران، چالشی برای امنیت پایگاه‌های نظامی آمریکاست، بریتانیا چگونه می‌تواند خود را در برابر موشک‌های دقیق ایران محافظت کند! به این‌ها می‌گوییم؛ یا باید پایگاه آمریکا را از کشورتان برچینید یا باید آماده دریافت موشک‌های ما باشید!
حمزه‌خانی

* فرماندار کالیفرنیا در واکنش به اظهارات اخیر دونالد ترامپ، او را «دیوانه و خطرناک» خواند و گفت رئیس‌جمهور پس از فرستادن گارد ملی و تفنگداران دریایی برای اشغال کالیفرنیا، اکنون خواستار هدف قرار گرفتن لس‌آنجلس و سن‌دیگو توسط دشمنان خارجی شده است! از دیوانه و احمق مگر انتظار دیگری می‌توان داشت؟!
کشوری

* رئیس‌جمهور تروریست آمریکا اعتراضات مدارس فرانسه را به اسلام ربط داد و گفته که آن‌چه در فرانسه در حال وقوع است، چیزی جز یک مهاجرت انبوه و خارج از کنترل نیست. این مسئله ربطی به مدارس ندارد، بلکه بحث به‌خاطر این است که اسلام می‌خواهد کشوری را که روزگاری باعظمت بود، تصرف کند!
واشقانی

* با تشکر از جناب متکی در مورد پاسخ قاطع و صریح به یاوه‌گویی‌های نماینده آلمان. ای‌کاش دستگاه دیپلماسی از پیر سیاست خارجی بیاموزد و به رژیم اسرائیل بگویید ملت ایران دندان‌های نتانیاهوی کودک‌کش و ترامپ جنایتکار را خواهد شکست و آن‌ها باید منتظر کیفر جنایات خود باشند. ملت ایران خون شهدای خود را فراموش نخواهد کرد و انتقام خون امام شهیدمان را خواهیم گرفت.
حیدری قم

*لاپید رهبر اپوزیسیون رژیم صهیونیستی، همزمان با سالگرد ۷ اکتبر به انزوای رژیم اعتراف کرده و گفته حماس، قطر و ایران همیشه می‌خواستند ما را از جهان جدا کنند ولی حالا این جهان است که دارد خودش را از ما جدا می‌کند.
اجلالی

*دشمن قرار بود کار سردار شهید سلیمانی را تمام کند تا محور مقاومت را فروپاشانده و تسلط خود را بر منطقه قطعی نماید. اما اکنون مشاهده می‌کنیم ابوعبیده سخنگوی حماس اعلام کرد که به‌زودی منتظر نیروهای جدید در لیبی و سودان باشند. این یعنی این‌که خدا به میراث حاج قاسم برکت داده و محور گسترده‌تر شده است.
قاسمی‌منفرد

*روبیو وزیر خارجه آمریکا در سخنرانی جدید خود در یونان صحبت از دنبال کردن راه اسکندر مقدونی در برخورد با ایران کرده اما چقدر خوب بود این بخش از تاریخ را نیز خوب می‌خواند جایی که امپراتور روم، در برابر شاپور اول ساسانی مجبور شد زانو بزند.
معلمی

*در جهانی که صدای ظالمان و متجاوزان گاهی بلندتر از صدای قربانیان شنیده می‌شود، شاید یکی از کارکردهای مهم تریبون مجمع عمومی سازمان ملل همین باشد که صدای مظلومیت همراه با اقتدار خویش را به گوش جهانیان برسانی. آقای پزشکیان رئیس‌جمهور کشورمان در نیویورک، از موضع عزت و اقتدار همین کار را کرد که جای تشکر دارد.
ربانی‌زاده

*روبیو وزیر خارجه آمریکا با سخنرانی خود در یونان بر علیه تمدن ایران به‌واقع نشان داد نسخه دوم نظریه برخورد تمدن‌های هانتینگتون را مطرح می‌کند. به‌جای تقابل اسلام و غرب، او تقابل تمدنی میان ایران و غرب را ترسیم می‌کند. به عبارت دیگر، آمریکا از «اسلام‌هراسی» به «ایران‌هراسی» روی آورده است.
محمدجانی

*با اشاره به تحولات اخیر یمن عرض می‌کنم این کشور بعد از ۱۱ سال محاصره از سوی آل‌سعود اکنون توان هدف قرار دادن نقاط مختلف عربستان را دارد و وارد مرحله «محاصره در برابر محاصره» و «تشدید در برابر تشدید» شده است. فلذا مشاهده می‌کنیم انصارالله اکنون با هدف قرار دادن زیرساخت‌های نفتی و انرژی عربستان، حملات مؤثری انجام می‌دهد.
بازرگان

*به سردمداران کشورهایی مثل کانادا که تجاوز و جنگ‌افروزی آمریکا را به‌جای محکوم کردن حمایت و یا توجیه می‌کنند، بفرمایید چشم بستن بر حقیقت و فروختن عزت‌نفس و کرامت، آنان را نجات نمی‌دهد. زمانی خواهد رسید که آنان نیز در چنگال ظالمین گرفتار شده و دست‌وپا خواهند زد.
کامکار

*مدیر شرکت ملی نفت امارات، در کنفرانس انرژی APPEC در سنگاپور اعلام کرد هزینه عبور محموله‌های نفتی از تنگه هرمز پس از جنگ ایران به‌طور قابل توجهی افزایش یافته و به محدوده ۱۰ تا ۲۰ میلیون دلار رسیده است. تنگه هرمز نشان داد جنگ با ایران برخلاف جنگ‌های معمول دیگر در دنیا برای همه هزینه خواهد داشت.
ذاکری

*آل‌سعود برای جبران شکست از انصارالله یمن، نقشه‌ای شیطانی در سر دارد. منابع منطقه‌ای از طرحی توسط تیم امنیتی سلطنتی عربستان سعودی برای پرتاب دسته‌ای از پهپادهای لوکاس ساخت آمریکا به سمت مکه و هدف قرار دادن کعبه مقدس و تعدادی از مناطق مسکونی اطراف آن پرده برداشتند. سعودی‌ها با این پلشتی‌ها هم راه به جایی نخواهند برد. اراده خداوند بر این تعلق گرفته که توسط مردم مقاوم و مستضعف، خوار و ذلیل بشوند.
صدیق

*بیش از ۱۳ هزار شهید سرافراز در دهه‌های پس از پیروزی انقلاب و دفاع مقدس و استمرار شهادت ماهانه فرزندان فراجا در مرزها و شهرها، گواهی روشن بر این حقیقت است که فراجا سازمانی از جان‌گذشته برای حیات ملت است.
آقاجان‌تبار

*برخی منابع یمنی گزارش دادند پهپادهای تهاجمی انصارالله یمن، در عملیاتی دقیق در جبهه مأرب، یکی از مستشاران نظامی خارجی تابعه پاکستان را که در حال هدایت نیروهای مزدور سعودی بود را هدف قرار داده‌اند. بی‌اختیار یاد آن ماجرایی افتادم که گفته‌اند کوری عصاکش کوری دیگر شد.
ظریف‌منش

*ریشه حرف‌های امروز همراه با طعنه آقای ظریف را باید در سرنوشت برجام جست‌وجو کرد. چراکه ایشان تمام سرمایه اصلی خود را در سبد مذاکره با آمریکا گذاشت و با خروج واشنگتن از توافق، آن سرمایه از دست رفت.
پوراسماعیل

* فرامرز دادرس، افسر سابق گارد پهلوی گفته است که با ورود موشک‌ها و پهپادهای ایرانی، افسانه بازدارندگی نیروی هوایی اسرائیل فرو ریخت و رؤیای «اسرائیل بزرگ» به بن‌بست رسید!
براتی

* آیا چوب حراج زدن به ذخیره ارزی کشور در شرایط جنگی کار درستی است؟ برای خرید ۱۰ هزار دلار با قیمت حدود ۲۶۰ هزار تومان، دو میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان را چه قشری می‌توانند تهیه کنند؟! تهیه این مبلغ برای اکثریت مردم امکان ندارد. بنابراین، یک قشر خاص و شبکه‌های دلالی از این موقعیت سوءاستفاده می‌کنند. هدررفت منابع و ثروت ملی، انتقال درآمدهای ارزی به جیب دلالان، تشویق واسطه‌گری و در نهایت تداوم افزایش نرخ ارز را در پی خواهد داشت! آیا نباید دستگاه قضا و مجلس به این موضوع ورود پیدا کنند؟!
دورتاج

خبر ویژه

شعام تا زمانی محبوبیت دارد که بر طبل «ما» بکوبد!

غرب‌گرایان سال‌ها از «حق دسترسی به اینترنت» گفتند تا جمهوری اسلامی را تحت فشار بگذارند؛ اما حالا که همان اینترنت به اهرم فشار تهران علیه واشنگتن تبدیل شده، ناگهان دم از «صلح» و دم از «اهمیت اینترنت» می‌زنند.

محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، در مصاحبه با پرس‌تی‌وی هشدار داد که در صورت آغاز جنگ جدید، کابل‌های اینترنت، مراکز داده و تأسیسات هوش مصنوعی آمریکا در منطقه با ارزشی بیش از دو تریلیون دلار هدف قرار خواهند گرفت. این تهدید، منطق بازدارندگی را از تنگه هرمز به عمق آب‌های خلیج‌فارس و شاهراه‌های فیبر نوری بین‌المللی گسترش می‌دهد.

واکنش غرب‌گرایان اما آشناست. حسین شریعتمداری مدیرمسئول کیهان، به‌درستی پیش‌بینی کرد: «به احتمال زیاد برخی از غرب‌گرایان و احزاب نه‌چندان همراه با اسلام و انقلاب، ساز مخالفت با نگاه مقتدرانه آقای محسن رضایی را کوک می‌کنند! و همان‌گونه که عادت آنهاست به تحریف واقعیت‌ها روی آورده و این اقدام را با واژه‌هایی نظیر «دمیدن در آتش جنگ و صلح بهتر از جنگ است مخدوش جلوه می‌دهند».

این همان الگوی همیشگی است؛ هر تصمیم نظام که مطابق میل‌شان باشد، آن را به مثابه «پیروزی بر مخالفان سیاسی» جشن می‌گیرند؛ و انتقاد به آن را انتقاد به تصمیم نظام عنوان می‌کنند. اما هر اقدام مقتدرانه‌ای که خارج از چارچوب مطلوبشان باشد، برچسب «جنگ‌طلبانه» می‌خورد. و یا مثل وضعیت کنونی که به صورت مستقیم و غیرمستقیم با مهم بیان کردن اتصال اینترنت به مخالفت با موضع جدید دبیر شعام می‌پردازند.

جبهه اصلاحات ایران پیش‌تر در بیانیه‌ای، قطع اینترنت را «عامل نارضایتی عمیق» خوانده و خواستار «دسترسی پایدار، آزاد و امن» مردم شده بود. اما اکنون که همین اینترنت به سلاح راهبردی ایران در برابر آمریکا تبدیل شده، سکوت کرده یا با زبان «صلح» مخالفت می‌کند.

پرسش ساده است. اگر اینترنت برای مردم حق است، چرا نمی‌تواند برای مقابله با دشمنی که خود آغازگر جنگ بوده، اهرم باشد؟ غرب‌گرایان به‌جای این‌که به وضعیت تورم و قیمت بنزین در آمریکا بپردازند و نشان دهند هزینه این ماجراجویی را مالیات‌دهنده آمریکایی می‌پردازد، ترجیح می‌دهند از داخل، پالس ناامیدی بفرستند. این نه دلسوزی برای مردم، که ادامه همان سیاه‌نمایی آشنایی است که سال‌هاست از تریبون‌هایشان جاری است.

به هر حال، به خوبی روشن است که مرامنامه مدعیان اصلاحات، دیکتاتوری محض به این مفهوم است که افراد، گروه‌ها و جریانات تا زمانی مورد تایید هستند که مطابق نظر قبیله‌ای و حزبی آنان باشند و اگر مخالفت کردند بدترین افراد، گروه‌ها و نهادهای عام هستند. روشن‌ترین مصداق عینی این ادعا فتنه ۸۸ است.

کدخدا زانو زد اما زنجیره‌ای‌ها نسخه تسلیم می‌پیچند!

روزنامه زنجیره‌ای و غرب‌گرای «سازندگی» در جدیدترین شماره خود با انتخاب تیتر «دور زدن هرمز» در صفحه اول، پروژه کهنه ضدروسی را کلید زده تا به مخاطبِ این‌گونه القا کند که پوتین با «دیپلماسی دیزلی» و معامله سوخت با آمریکا، عملاً به ایران خیانت کرده و قدرت مانور کشورمان در تنگه هرمز را خنثی کرده است!

این روزنامه مدعی است روسیه با استفاده از بحران خاورمیانه، منافع خود را خریده و ایران را دور زده است؛ تحلیلی کینه‌توزانه که هدف اصلی آن، تخریب روابط راهبردی تهران- مسکو و تزریق ناامیدی به جامعه است.

این مانور تبلیغاتی جریان تسلیم‌طلب در حالی است که هر ناظر منصف و واقع‌بینی در دنیا می‌داند رابطه راهبردی جمهوری اسلامی ایران با دو قدرت روسیه و چین، در اوج استقلال سیاسی و اقتدار نظامی، بر اساس منافع و امنیت ملی و مبتنی بر عزت، حکمت و مصلحت شکل گرفته است.

در قاموس این جماعت، منافع ملی فقط در دامن آمریکا و غرب نهفته است و «جامعه جهانی» نیز یعنی آمریکا، ناتو و اقمارشان! سال‌ها تبلیغ کردند که نظام، ایدئولوژیک با دنیا برخورد می‌کند، اما همزمان خرده می‌گیرند که چرا با دولت‌های خارج از اردوگاه غرب روابط راهبردی دارد و نرد بازی می‌کند!

حمایت‌های اثرگذار روسیه و چین در مجامع بین‌المللی و جنگ‌های اخیر، به‌ویژه هشدارهای صریح مسکو درباره بی‌ثباتی منطقه و سدسازی مشترک با پکن در شورای امنیت علیه قطعنامه‌های ضدایرانی، نشان داد این جبهه ضدپیمانکارانِ هژمونی آمریکا، در مسیر تقویت توان مقاومت ایران کارنامه‌ای مثبت و راهبردی دارد. با این حال، مدعیان شکست‌خورده «اصلاح‌طلبی آمریکایی»، جایگاهی «خدایی»! برای «کدخدای» خود قائلند و هنوز نسخه پوسیده تسلیم می‌پیچند؛ همان غرب‌پرستانی که چشمان خود را بر جنایات آشکار آمریکا- از ترور قائد امت تا شهادت مظلومانه هموطنانمان در میناب، لامرد و سیریک و...- بسته‌اند.

روزنامه زنجیره‌ای سازندگی برای تکمیل این خط خبری و القای دور خوردن ایران، در گزارش خود آورده است: «درحالی‌که بسته بودن تنگه هرمز، تأمین سوخت در آمریکا را با اختلال جدی مواجه کرده است ترامپ توانست در توافقی با پوتین، نزدیک به ۵میلیون تن گازوئیل از روسیه خریداری کند.»

سازندگی با ردیف کردن گزاره‌های القایی مدعی می‌شود: «اختلال در عبور نفت و سوخت از تنگه هرمز، هزینه حمل‌ونقل و تولید را در آمریکا به حدی بالا برده که دونالد ترامپ برای مهار قیمت‌ها سراغ ولادیمیر پوتین رفته است... بحران خاورمیانه به مسکو فرصت داده است از موقعیت تأمین‌کننده انرژی برای کاهش فشار تحریم استفاده کند.» واقعیت اما ابداً آن چیزی نیست که این روزنامه زنجیره‌ای منتسب به حزب اشرافی کارگزاران ادعا می‌کند. کینه مدعیان اصلاحات از روسیه، صرفاً به خاطر همراهی راهبردی مسکو با جمهوری اسلامی ایران و برهم‌خوردن محاسبات غرب است.

والا اگر یک دولت نوکر و غرب‌گرا در روسیه به قدرت برسد، همین روزنامه‌ها فوراً حامی سینه‌چاک او خواهند شد؛ درست همان‌طور که برای دلقک‌های رقاص‌پیشه غرب‌گرا در اوکراین غش و ضعف می‌روند! جریان مدعی اصلاحات بار دیگر ثابت کرد که در بزنگاه‌ها، نقش ستون پنجم دشمن را برای زیر سؤال بردن خط اقتدار منطقه‌ای ایران بازی می‌کند.

آمار قطره‌چکانی پنتاگون از کشته‌ها و مجروحان آمریکایی

۱۸ سپتامبر، روزنامه آمریکایی «واشنگتن پست» گزارش داد که آمار تلفات بیشتر از ارقام اعلامی پنتاگون است؛ «پیت هگست» در واکنش به گزارش این روزنامه با انتشار پیامی در «شبکه ایکس» نوشت: «این گزارش مشمئزکننده و جعلی است؛ یک دروغ کامل، شرم بر واشنگتن‌پست»؛ اما مدتی پس از واکنش وزیر دفاع آمریکا، شمار کشته‌ها و مجروحان به صورت «چراغ خاموش» و «قطره‌چکانی» سیر صعودی گرفت.

تا ۱۸ سپتامبر ۲۰۲۶، شمار تلفات نظامیان آمریکایی در گزارش رسمی پنتاگون روی ۱۸ نفر قفل شده بود؛ اما واشنگتن‌پست در همان روز با انتشار متنی مستند، آمار پنتاگون را زیر سؤال برد؛ پنج روز پس از شک و تردید این روزنامه، پنتاگون در ۲۳ سپتامبر با افزایش آمار، مرگ نوزدهمین نفر را اعلام کرد.

هفته‌نامه «نیوزویک» در رابطه با این تغییر نوشت: «سروان «بیانکا سی. ویلکرسون»، ۳۷ ساله و اهل نورفولکِ ویرجینیا، در حین پشتیبانی از عملیات‌های برون‌مرزی در قطر جان باخته است». مدتی بعد از افزایش قطره‌چکانی آمار پنتاگون و افزایش شمار تلفات از ۱۸ نفر به ۱۹ نفر، روزنامه آمریکایی «نیویورک تایمز» با تیتر «پنتاگون بار دیگر آمار تلفات نیروهای آمریکایی در جنگ ایران را افزایش داد» ارقام جدیدی از شمار کشته‌شدگان اعلام کرد. این روزنامه در تاریخ ۱۰ اکتبر ۲۰۲۶ گزارش داد: «پنتاگون بی‌سروصدا آمار نظامیان آمریکایی کشته و زخمی‌شده در جریان عملیات‌های مرتبط با جنگ ایران را افزایش داد... شمار نظامیان کشته‌شده آمریکایی به ۲۱ نفر و تعداد مجروحان به ۸۶۵ نفر رسیده است... این تغییرات عصر جمعه [۱۷ مهر ۹/۱۴۰۵ اکتبر ۲۰۲۶] در وب‌سایت سامانه تحلیل تلفات دفاعی (Defense Casualty Analysis System) منتشر شد».

در آستانه انتخابات میان دوره‌ای آمریکا، تردید رسانه‌ها در آمار اعلامی پنتاگون تاثیر مستقیمی بر اعتبار ترامپ دارد؛ پنتاگون نیز با ملاحظات سیاسی به افزایش تدریجی، قطره‌چکانی و بی‌سر و صدای آمار روی آورده تا واکنش افکار عمومی به پیامدهای جنگ را مهار کند. این روند آخرین تلاش ترامپ برای پنهان کردن هزینه‌های جنگ و ارائه تصویری غیر شفاف و مبهم از پیامدهای نبرد با ایران است که پیش از انتخابات به کار گرفته شد.